



بررسی مفهوم «توحید عبادی» از دیدگاه

آیت الله مصباح یزدی و ابن تیمیه

حسین علی ادیسی*

چکیده

«توحید عبادی» اصلی‌ترین مؤلفه مورد دعوت انبیای الهی است. مفهوم و مصادیق عبادت در میان مسلمانان بدون اختلاف و واضح بود تا اینکه با ظهور ابن تیمیه و تفسیر جدیدش از این مفهوم، برخی اعمال مسلمانان مانند شفاعت و توسل، عبادت غیرخدا شمرده شد و موجب تکفیر آنان گردید. مفهومی که ابن تیمیه به عنوان تعریف عبادت ارائه کرد، معنای لغوی عبادت، یعنی صرف طاعت در مقابل شیء است و وی قیودی مانند حبّ معبود را به آن افزود. مهم‌ترین اشکالات این تعریف را می‌توان ابهام آن، عدم جامعیت و مانعیت، و همچنین مخالفت با استعمال‌های قرآنی دانست. در مقابل، آیت الله مصباح با استناد به استعمال‌های قرآنی، قید «اعتقاد به الوهیت معبود» را در مفهوم عبادت دخیل، و اعمالی مانند توسل و استغاثه را مُقَرَّب عبد به خداوند می‌داند.

کلیدواژه‌ها: توحید عبادی، عبادت، آیت الله مصباح، ابن تیمیه.

* سطح دو حوزه علمی، دانش پژوه مؤسسه دار الإعلام لمدرسة أهل البيت (ع) (شعبة شیراز).

ایمیل: Aaaa137552@gmail.com

مقدمه

اساس دعوت انبیا، احقاق کلمه توحید و برپایی آن در نظام زندگی بشری است؛ توحیدی که به واسطه عبادت خدای سبحان محقق شده و شکننده قیود و مظاهر شرک و بت پرستی است. در قرآن کریم به صراحت به این حقیقت اشاره شده و «توحید در عبادت» به عنوان مفاد دعوت تمام انبیا بیان شده است: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^۱. همه مسلمانان در طول شبانه روز بارها این شعار را بیان و در عمل آن را تکرار می کنند: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»^۲.

مسلمانان علی رغم تفاوت برداشت ها از مفهوم توحید، در توحید عبادی و انحصار آن عبادت برای خداوند، اجماع دارند؛ اما نقطه اصلی اختلاف زمانی شروع می شود که مفهوم عبادت، اشتباه تفسیر شده و در نتیجه، باعث تکفیر می شود و عواقب سوء آن، دامن مسلمانان را می گیرد.

به بیان منطقی، اختلاف در صغرای قیاس است؛^۳ یعنی تفسیر این جمله که «آیا فلان عمل عبادت است یا خیر؟». تمام مسلمانان در کبرای قضیه متفق القول هستند و عبادت غیر خدا را جایز نمی دانند. برای رفع این مشکل، راحت ترین راه، بازگشت به معنا و استعمال قرآنی کلمه عبادت است.

«استغاثه به اولیای الهی و طلب دعا»، «طلب شفاعت»، «توسل» و... از مصادیقی هستند که در صورت تبیین غلط آنها، می توانند در زمره عبادت غیر خدا قلمداد شوند و زمینه تکفیر را به وجود بیاورند.^۴ قاطبه مسلمانان مصادیق مذکور را جز به هدف تقرب به خداوند سبحان و تکریم اولیای الهی انجام نمی دهند؛ اما با تفسیر غلطی که سلفیان تکفیری با اتکا به اندیشه های ابن تیمیه از مفهوم عبادت ارائه داده اند، به راحتی می توان

۱. سوره نحل، آیه ۳۶: و در حقیقت، در میان هر امتی فرستاده ای برانگیختیم [تا بگوید: خدا را بپرستید و از طاغوت فریبگیر] بپرهیزید.

۲. سوره فاتحه، آیه ۵: فقط تو را عبادت می کنیم.

۳. سبحانی تبریزی، جعفر، الوهائیه فی المیزان، ص ۱۷۸.

۴. سبحانی تبریزی، جعفر، الوهائیه بین المبانی الفکرية و النتائج العملية، ص ۷۷.

کثیری از مسلمانان را مشرک دانست و به جنگ آنان رفت و برادرکشی به راه انداخت. با این بیان، برای ارتفاع مشکل می‌توان از دو راه توضیح مصادیق محل بحث و تبیین مفهوم عبادت وارد شد. این مقاله، در مقام بررسی مفهوم توحید عبادی از دیدگاه ابن تیمیه^۱ و آیت الله مصباح^۲ است و ابتدا به تبیین مفهوم این دو واژه می‌پردازد و سپس توحید عبادی و واژه عبادت را از منظر هر دو نفر بیان و بررسی می‌کند.

در باره نقد آرای ابن تیمیه در زمینه توحید عبادی، تحقیقاتی وجود دارد؛ همچون نقد و بررسی توحید عبادی از دیدگاه علامه حلی و ابن تیمیه نوشته سید محمد حسینی تسلیم، توحید عبادی در قرآن و روایات با رویکرد انتقادی به نظرات ابن تیمیه نوشته احمد اکبری، و بررسی مفهوم عبادت از دیدگاه ابن تیمیه نوشته عبدالمحمد شریفیات. اما در رابطه با تبیین دیدگاه آیت الله مصباح در زمینه توحید عبادی، متأسفانه تحقیق مستقلی صورت نگرفته است و فقط می‌توان به کتاب‌های ایشان مانند توحید در قرآن و آموزش عقاید رجوع کرد. در باب تطبیق دیدگاه این دو نفر نیز پژوهشی صورت نگرفته است.

مفهوم‌شناسی

از مهم‌ترین ویژگی‌های تبیین دقیق دیدگاه‌ها و رسیدن به نتیجه صحیح، بیان دقیق مفاهیم و تعریف آنهاست که از به خطا رفتن جلوگیری می‌کند. در تبیین مفهوم توحید عبادی ابتدا باید نظری به تعریف توحید داشت و سپس توحید عبادی را تعریف نمود.

۱. توحید

«توحید» را می‌توان اساسی‌ترین مفهوم در میان مسلمانان و مکتب اسلام دانست. این مفهوم در گستره مفهومی و مصداقی خویش، موجب تمایز اسلام از دیگر ادیان و آیین‌ها

۱. احمد بن عبدالحلیم (۶۶۱-۷۲۸ق)، معروف به ابن تیمیه، از معروف‌ترین متفکران اهل سنت است که اندیشه‌های او پایه‌ریز مکتب‌های سلفی است. او را می‌توان اولین فردی دانست که عبادت را به گونه‌ای تفسیر کرد که با آنچه در میان مسلمانان متداول بود، مخالفت داشت. (عبدالحمید، صائب، ابن تیمیه؛ حیات-عقائده، ص ۱۷، ۶۵ و ۹۳).
۲. آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، فقیه و فیلسوف و عارف معاصر شیعی است که از استادان علوم قرآن در حوزه علمیه قم شناخته می‌شود.

می‌شود. برای بیان دقیق تعریف، نخستین مرحله بررسی معنای لغوی لفظ است؛ زیرا غالباً معانی اصطلاحی با توجه به معانی لغوی وضع می‌شوند.

«توحید» مصدر باب تفعیل از ریشه «وحد» است. «وحد» در لغت به معنای انفراد^۱ و منفرد^۲ آمده است؛ یعنی چیزی که جزء ندارد. توحید در معنای اصطلاحی نیز در کتاب‌های لغت، به معنای ایمان به الله تعالی ذکر شده است.^۳

البته این نکته حائز اهمیت است که لفظ «وحد» در باب تفعیل و مشتقاتش، هیچ‌گاه در قرآن به کار نرفته است و قرآن کریم این اصل اساسی را با عبارات‌های دیگری مانند «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»^۴ و «اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ»^۵ بیان کرده و آن را سرلوحه دعوت انبیاء دانسته است.^۶

۲. توحید الوهی

«الوهِیت» مصدر صناعی از کلمه «اله» است. این کلمه، که بر وزن فِعال است، مصدر به معنای اسم‌مفعول (مألوه) به کار می‌رود.^۸ طبق این بیان معنای «اله» در لغت، همان معنای معبود است و واژه «الله» را می‌توان مشتق از «اله» دانست که بر معبود خاصی دلالت می‌کند. استعمال «اله» در قرآن، گاه درباره الله تعالی بوده و گاه به معبودان مشرکان باز می‌گردد که آیه آخر سوره کهف بر همین مطلب دلالت دارد. البته در برخی استعمال‌های قرآنی همچون آیه ۲۳ سوره جاثیه^۹ یا برهان تمناع،^۱ لفظ «اله» به معنای

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۸۵۷.

۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۳، ص ۲۸۰.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، ص ۴۵۰.

۴. سوره اخلاص، آیه ۱: بگو او خدایی است یکتا.

۵. سوره اعراف، آیات ۵، ۶۵، ۷۳ و ۸۵: ای قوم من، خدا را بپرستید که برای شما معبودی جز او نیست.

۶. سوره نحل، آیه ۳۶: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»؛ (و در حقیقت، در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید:] خدا را بپرستید و از طاغوت [فریبگر] بپرهیزید).

۷. مصباح یزدی، محمدتقی، خداشناسی، ص ۱۶۵.

۸. آیت الله العظمی سبحانی در صفحه‌های ۵۴ تا ۵۸ از کتاب التوحید و الشرك في القرآن الكريم، به این نتیجه می‌رسند که «اله» به معنای معبود نیست، بلکه «اله» کسی است که شئون ربوبیت مانند خلق، تدبیر، احیاء و اماتة را دارا باشد. تفسیر «اله» به معبود، تالی فاسدهایی را در لسان قرآن به دنبال خواهد داشت.

۹. سوره جاثیه، آیه ۲۳: «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ»؛ (پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خویش قرار داده؟)

رب استعمال شده است.

در کتاب‌های امامیه، از «توحید الوهی» به «توحید عبادی» تعبیر شده است و از زمان ابن تیمیه، استعمال توحید الوهی در مقابل توحید ربوبی شایع شد و در میان قدمای متکلمان اهل سنت، و کتاب‌هایی همچون لمعة الاعتقاد، المواقف، المقاصد و العقائد النسفية مطلبی در رابطه با توحید الوهی وجود ندارد.^۲ در نتیجه، می‌توان گفت مقصود ابن تیمیه از توحید الوهی همان توحید عبادی است.^۳

۳. عبادت

همان طور که در ادامه نیز اشاره می‌شود، توحید عبادی یا الوهی به معنای انحصار پرستش در خداوند سبحان است و آنچه موجب تغییر در برداشت‌ها شده است، تعاریف مختلفی است که از واژه «عبادت» در بین متفکران اسلامی وجود دارد. برای مشخص شدن این مفهوم باید معنای لغوی عبادت و مراد هر دو اندیشمند از این مفهوم روشن شود.

در بین اهل لغت دو معنا برای این لفظ آورده شده است.^۴ عده‌ای مانند راغب اصفهانی، آن را نهایت خضوع و تذلل می‌دانند^۵ و در مقابل، دسته‌ای دیگر اطاعت همراه با خضوع را عبادت می‌دانند؛ مانند ازهری که به نقل از زجاج می‌نویسد: «و معنى العبادة في اللغة: الطاعة مع الخضوع»^۶ و ابن منظور نیز همین معنا را می‌پذیرد.^۷ اما باید توجه داشت که این دو لفظ، مترادف نبوده و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند.^۸

۱. سورة انبيا، آیه ۲۲: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا»؛ (اگر در آن دو [زمین و آسمان] جز خدا، خدایانی [دیگر] وجود داشت، قطعاً [زمین و آسمان] تباه می‌شد).

۲. عابدی، احمد، توحید و شرک در نگاه شیعه و وهابیت، ص ۱۰۸.

۳. در ادامه، ایشان اشکالاتی بر استعمال لفظ «توحید الالوهية» توسط وهابیان وارد می‌کنند. (همان، ص ۹۸).

۴. آیت الله سبحانی تعریف اهل لغت از عبادت را تعریف بالمعنى الاعم دانسته و معتقد است اگر این تعریف صحیح باشد، باید به برخی امور فاسد ملتزم شویم. (نک: سبحانی تبریزی، جعفر، الوهابية بين المباني الفكرية و النتائج العملية، ص ۸۰).

۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۵۴۲.

۶. ازهری، محمد بن احمد، تهذيب اللغة، ج ۲، ص ۱۳۸.

۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، ص ۲۷۲.

۸. «عبادت» آخرین مرتبه کرنش است؛ از این رو، عبادت غیر خدا جایز نیست و عبادت باید همراه با شناخت معبود باشد. «اطاعت» کاری است که طبق اراده مطاع انجام گیرد و می‌تواند برای خدا یا بندگان صورت پذیرد، ولی «پرستش» جز برای ذات خدا جایز نیست. می‌توان کسی را مطیع دیگری نامید، هرچند در اطاعت خود قصد اطاعت نکرده باشد؛ مانند کسی که

توحید عبادی از دیدگاه ابن تیمیه

برای رسیدن به معنای صحیح توحید عبادی از دیدگاه ابن تیمیه، باید ابتدا تعریف توحید را از دیدگاه وی بررسی کرد و سپس به این نکته توجه نمود که توحید عبادی در هندسه عقیدتی ابن تیمیه دارای چه جایگاهی است.

«توحید» لفظی است که در آثار ابن تیمیه به روش‌های گوناگون تعریف شده است که هرکدام از این تعاریف، ارزش معرفت‌شناختی خاص خود را دارا هستند. او یک بار توحید را به لوازمش تعریف کرده و نتیجه آن را ذکر می‌کند،^۱ بار دیگر تعریف به ضد می‌کند و در ادامه، به بیان مصادیق مفهوم توحید می‌پردازد.^۲ این مفهوم در دیدگاه او به همان معنای متبادر میان مسلمانان، یعنی واحد دانستن خدای سبحان و لوازم آن است.^۳

حال پس از تعریف توحید از دیدگاه ابن تیمیه، شایسته است جایگاه توحید عبادی در اندیشه او تبیین شود. ابن تیمیه را می‌توان اولین کسی دانست که دست به تقسیم توحید زده و آن را تفصیل داده است.^۴ این کار، قبل از او شایع نبود و می‌توان او را مبتدع این کار دانست.^۵ آنچه اکنون میان علمای سلفیه به کار می‌رود، تقسیم توحید به سه قسم «توحید ربوبی»، «توحید الوهی» و «توحید اسما و صفات» است^۶ که از تقسیم ابن تیمیه نشأت گرفته است.^۷ او در یکی از تقسیماتی که برای توحید انجام می‌دهد، آن را به

خواست‌های شیطان را انجام می‌دهد که او را مطیع شیطان می‌نامیم، هرچند قصد اطاعت شیطان نکند. با این حال، پرستش حتماً نیت می‌خواهد. (عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، ص ۲۱۵).

۱. «التوحيد الذي بعث الله به رسله و انزل به كنهه هو أن يعبد الله وحده لا شريك له». (ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الاستقامة، ص ۳۱).

۲. «التوحيد ضد الشرك، فإذا قام العبد بالتوحيد الذي هو حق الله فعبد لا يشرك به شيئاً كان موحداً... و من توحيد الله و عبادته: التوكل عليه و الرجاء له و الخوف منه فهذا يخلص به العبد من الشرك. و إعطاء الناس حقوقهم و ترك العدوان عليهم يخلص به العبد من ظلمهم و من الشرك بهم». (ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوى، ج ۱، ص ۵۳).

۳. این بیان از تعاریفی به دست می‌آید که در دو پانوشته قبلی بیان شد.

۴. بدر، عبدالرزاق بن عبدالمحسن، القول السديد في الرد على من أنكر تقسيم التوحيد، ص ۱۳.

۵. حسن سقاف در کتاب التنبید بمن عذد التوحيد، به رد تقسیمات توحید پرداخته و ریشه آن را بررسی کرده است.

۶. ابن تیمیه در دو کتاب مجموعه التوحيد و کتاب فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة و الإفتاء، به سه قسمت بودن توحید اشاره کرده است.

۷. ابن عثیمین، محمد بن صالح، القول المفید على كتاب التوحيد، ج ۱، ص ۵ تا ۱۲.

دو قسم توحید ربوبی و توحید الوهی تقسیم می‌کند.^۱ از دیدگاه او، توحید الوهی آن است که خداوند متعال توسط بندگان عبادت شود و شرک به پرستش او تحقق نگیرد، که نتیجه آن اطاعت از او و فرستادگانش است و باعث می‌شود عبد آنچه را انجام دهد که او دوست دارد و بدان راضی است؛ اما توحید ربوبی در آنچه خداوند تقدیر کرده و بدان رضایت داده است، داخل می‌شود؛ گرچه در میان اوامر او نباشد.^۲ توحید ربوبی در اندیشه سلفیانی که توحید را به سه قسم تقسیم می‌کنند، به توحید افعالی باز می‌گردد.^۳

پس از شناخت دو قسم توحید مدنظر ابن تیمیه، به بیان اهمیت توحید الوهی یا عبادی می‌پردازیم. او توحید اصلی و مناط تحقق اسلام را توحید الوهی می‌داند و در بیان تفاوت میان توحید الوهی با توحید ربوبی معتقد است:

آن توحیدی که خداوند بندگان را به آن امر کرده است، توحید الوهی متضمن توحید ربوبی است؛ به این صورت که فقط خدا را بدون شرک و وزیدن به او عبادت کنند تا همه دین فقط برای الله شود و از غیر او ترسند و...^۴

از متن فوق این نکته برداشت می‌شود که صرف توحید ربوبی ضامن سعادت و نشان‌دهنده اسلام شخص نیست و لازم است که این اعتقاد، جامه عمل بپوشد و به‌منصه ظهور برسد. شاهد او بر این مدعا استشهادی است به عقیده مشرکان صدر اسلام، که نشان از اعتقاد آنان به الله دارد. او برداشت می‌کند که آنان به توحید ربوبی معتقد، و به توحید الوهی کافر بوده‌اند.^۵ پس، از دیدگاه او میان مصادیق این دو مفهوم، ارتباط عموم و خصوص مطلق جاری است. حتی از سایر عبارات وی می‌توان این‌گونه برداشت کرد که کسی که به توحید الوهی ملتزم باشد، لاجرم در توحید ربوبی و توحید اسما و صفات نیز به حقیقت رسیده است؛ ولی کسی که در توحید الوهی پایش

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الفتاوی الکبری، ج ۲، ص ۴۲۱.

۲. همان.

۳. کردی، فوز بنت عبداللطیف، تحقیق العبودیة، ص ۱۰۵؛ ابن عثیمین، محمد بن صالح، القول المفید علی کتاب التوحید، ج ۱، ص ۵ تا ۱۲.

۴. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنة النبویة، ج ۳، ص ۲۸۹ و ۲۹۰.

۵. سورة لقمان، آیه ۲۵؛ سورة مؤمنون، آیه ۸۶ و ۸۷؛ سورة یوسف، آیه ۱۰۶.

بلغزد، ضمانتی بر اسلامش وجود ندارد. توجه به این نکته مهم می‌تواند راهگشای فهم علت تکفیرهایی باشد که وهابی‌ها در قبال مسلمانان انجام می‌دهند.

این نتیجه‌گیری زمانی پررنگ‌تر می‌شود که بدانیم تمام هم‌وغمِ ابن تیمیه و آسلاف او این است که نشان دهند دعوت به توحید الوهی مهم‌ترین شاخصه دعوت انبیا بوده^۱ و توحید ربوبی و توحید اسما و صفات، نقش اساسی در تحقق اسلام فرد ندارد. با وجود این، به راحتی می‌توان قاطبه مسلمانان را به مشرکان صدر اسلام تشبیه کرد؛ کسانی که در جنبه ربوبی-اعتقادی موحدند، اما در حیطه عبادی-عملی دچار شرک شده و سزاوار تکفیرند.

یکی از دلایلی که به اشتباه وی در تبیین توحید عبادی منجر شده است، انحرافات اساسی وی در توحید اسما و صفات است^۲ که باعث شده او در ورطه تجسیم و تشبیه بیفتد.^۳ او معرفت اسما و صفات الهی را اصل دین و اساس هدایت دانسته،^۴ که می‌تواند زیربنای اعتقادات شخص مسلمان در توحید قرار بگیرد. اما او که در معرفت اسما و صفات الهی به خطا رفته است،^۵ نمی‌تواند مرجع تطبیق مصادیق قرار بگیرد،^۶ و حداقل باید اعتقاد چنین شخصی در توحید الوهی با بررسی بیشتری ملاحظه شود و زیربناهای فکری آن بررسی گردد.

توحید عبادی از دیدگاه آیت الله مصباح

آیت الله مصباح توحید اصیل اسلامی را که به معنای یگانه شمردن و یکتا دانستن حق تعالی است، در چندین مرتبه جاری می‌داند که در چهار حیطه اعتقادی، عملی،

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الزهد و الورع و العبادة، ص ۱۰۲.

۲. «و أما في النفي، فنفتيم عن الله أشياء لم ينطق بها كتاب ولا سنة، ... و خالفتم العقول الصريحة و قلتم ليس هو بجسم و لا جوهر و لا متحيز و لا في جهة...». (ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، بیان تلبیس الجهمیه، ج ۳، ص ۴۴).

۳. حیدری، سیدکمال، التوحید عند الشيخ ابن تیمیه، ص ۳۷.

۴. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الفتاوى الحموية الكبرى، ص ۱۷۵.

۵. از دیدگاه علمای شیعه، ابن تیمیه گرفتار تجسیم شده است. (نک: حیدری، سیدکمال، التوحید عند الشيخ ابن تیمیه، ص ۹۷ و ۴۶۳؛ سبحانی تبریزی، جعفر، ابن تیمیه؛ فکراً و منهجاً، ص ۲۳ و ۹۲).

۶. کردی، فوز بنت عبداللطیف، تحقیق العبودية، ص ۸۹.

نفسانی و شهودی دسته‌بندی می‌شوند.

آنچه در مراتب اعتقادی مهم است، اعتقاد به توحید الله تعالی در «وجوب وجود»، «خالقیت»، «ربوبیت تکوینی»، «ربوبیت تشریعی» و «الوهیت» است.

قوام مفهوم توحید عملی به رعایت این دو مورد است: «توحید در عبادت» و «توحید در استعانت».

در مراتب نفسانی به توحید در «توکل»، «خوف و خشیت»، «رجا» و «محبت» برمی‌خوریم.

در مرتبه آخر نیز، که مرتبه شهودی است، «توحید در وجود استقلالی» پایه و اساس است.^۱

وی مفهوم توحید را طیف و پیوستاری شامل مصادیق متفاوت دانسته که نصاب تحقق اسلام بر فرد مسلمان، «اعتقاد به عدم شایستگی غیر الله برای پرستش» است؛^۲ یعنی از منظر قرآن «موحد» کسی است که افزون بر واجب‌الوجود، خالق، رب تکوینی و تشریعی، «اله و معبود» را نیز منحصر در الله تعالی بداند. البته وی نیز همانند ابن تیمیه، اعتقاد به الوهیت را مشتمل بر اعتقاد به اقسام دیگر توحید دانسته است. از نگاه وی، سرگزینش شعار «لا اله الا الله» عمومیت اعتقاد به الوهیت نسبت به دیگر اعتقادات است.^۳ پس ملاک تحقق توحید، «اعتقاد به الوهیت» است و مراتب بالاتر از توحید الوهی، مراتب کمال توحید است.^۴

از منظر ابن تیمیه و آیت‌الله مصباح، توحید الوهی به‌عنوان نصاب بیان شده است؛ اما فرق اصلی و اساسی این دو دیدگاه، کفایت اعتقاد در یکی و لزوم عمل در دیگری است. ابن تیمیه الوهیتی را که به عبودیت نرسد، الوهیت نمی‌داند؛ اما آیت‌الله مصباح صرف

۱. مصباح یزدی، محمدتقی، خداشناسی، ص ۱۷۱ تا ۱۷۷.

۲. همان، ص ۱۸۰.

۳. آیت‌الله العظمی سبحانی اعتقاد به سه اصل توحید، نبوت و معاد را مرز اسلام دانسته‌اند. (نک: سبحانی تبریزی، جعفر، مرزهای توحید و شرک در قرآن، ص ۱۹ و ۲۰؛ سبحانی تبریزی، جعفر، الإیمان و الکفر فی الکتاب و السنة، ص ۱۴).

۴. مصباح یزدی، محمدتقی، خداشناسی، ص ۱۸۱.

اعتقاد به الوهیت را آورنده حکم اسلام معرفی کند.^۱

البته توحید عبادی در اندیشه آیت الله مصباح، به صورت کلی از ارکان اسلام است. از منظر وی، با اینکه توحید الوهی در مرتبه عقیده و توحید عبادی در مرتبه عمل است، بین آن دو تلازم وجود دارد؛ اما اگر کسی غیر الله تعالی را پرستش کند، این عمل نشان از انحراف توحید الوهی او می دهد؛ زیرا غیر الله تعالی را شایسته پرستش می داند و کسی که فقط او را شایسته پرستش بداند، در عمل نیز به توحید عبادی ملتزم خواهد شد.^۲ نکته ای که ارزش این دیدگاه نسبت به سایر دیدگاه ها را نشان می دهد، آن است که پرستش، از آن جهت که امری اختیاری است، ریشه در عقیده دارد و کسی که غیر خدا را می پرستد، فی الجمله در اعتقاد خود دچار اشتباه شده است. یعنی در مواردی امکان دارد که شخص مسلمان با وجود اعتقاد به الوهیت باری تعالی، در عمل کاری کند که منجر به عبادت غیر شود؛ مثلاً به خاطر جلب و حفظ منافع یا عواملی دیگر، در کارهای خود غیر خدا را شریک بداند. این کار با اینکه سبب خروج او از اسلام و تکفیر وی نمی شود، اما قطعاً ضعف ایمان را نشان می دهد و به عبارتی این شخص، مرتکب شرک خفی شده است؛^۳ یعنی عمل شرک الود او نشانه شرک در اعتقاد اوست.^۴

ابن تیمیه و تعریف عبادت

قبل از ورود به بحث، ذکر این نکته حائز اهمیت است که اصلی ترین مبنای ابن تیمیه در شناخت دین، ظاهرگرایی است و همین انحراف، او را به مشرک خواندن قاطبه مسلمانان گرفتار کرده است. تعریف او از عبادت دارای رکن و قیدی جدید است که به معنای لغوی عبادت افزوده شده است. او معتقد است در عبادت دو مؤلفه مدنظر است: نهایت خضوع و نهایت حب. پس عبادت عملی است که از این دو امر سرچشمه گرفته باشد: «الْعِبَادَةُ

۱. همان، ص ۱۹۸.

۲. همان، ص ۱۹۹.

۳. همان.

۴. همان.

الْمَأْمُورُ بِهَا تَتَضَمَّنُ مَعْنَى الذَّلِّ وَ مَعْنَى الْحَبِّ فَهِيَ تَتَضَمَّنُ غَايَةَ الذَّلِّ لِلَّهِ بِغَايَةِ الْمَحَبَّةِ لَهُ»^۱.

او در قسمت دیگر کتاب العبودیة، تعریف دیگری از عبادت را بیان کرده است که با تعریف مذکور تعارض مفهومی نداشته و در مقام بیان گستردگی مقام عبادت است. ابن تیمیه در مقام بیان مصادیق عبادت، لفظ عبادت را اسم جامعی می‌داند که شامل اقوال و اعمالی باطنی و ظاهری است که به صفتِ رضایت و پسندِ خداوند سبحان متصف شده باشند؛ در نتیجه، جمیع اعمال عبادی مانند نماز، زکات، روزه، حج، صداقت در گفتار، ادای امانت، نیکی به پدر و مادر، صلۀ ارحام، وفای به عقود و عهود، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد با کفار و منافقان، و احسان و نیکی نمودن به همسایه داخل در عبادات شرعیه معرفی می‌شوند.^۲ شاهد این برداشت،^۳ پرسشی است که از وی در خلال بحث شده است: «هل مجموع الدين داخل فيها أو لا؟»^۴

او در جای دیگر، عبادت را همان طاعت می‌داند: «و العبادة هي الطاعة، ذلك أنه من أطاع الله فيما أمره به و فيما نهاه عنه، فقد أثر عبادة الله»؛^۵ (عبادت همان طاعت است، زیرا هرکس خداوند را در آنچه بدان امر و از آن نهی کرده است، اطاعت کند، قطعاً او را عبادت کرده است). این معنا به تعریف لغوی آن نزدیک است. این نکته مغفول نماند که از نظر او، مطلق طاعت مساوی با عبادت نیست، بلکه وی طاعتی را عبادت می‌داند که شامل انجام واجبات و ترک محرمات شود. پس او طاعت را، که همان انجام واجبات و ترک محرمات باشد، جامع ماهیت عبادت می‌داند که دو عنصر نهایتِ خشوع و نهایتِ حب، به عنوان دو مفهوم ضمنی در کنار آن در نظر گرفته می‌شوند. با توجه به سه تعریف او از عبادت، به دست می‌آید که تعریف عبادت از منظر او همراه با قیود آن، مستلزم طاعت است و این طاعت به آن عمل، درجه می‌دهد و هر عملی که قصد قربت از طریق

۱. «عبادت که به آن امر شده است، شامل معنای ذل و حب است. پس عبادت متضمن نهایتِ خاکساری در مقابل خدا، همراه با محبتِ اوست». (ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، العبودیة، ج ۱، ص ۴۸).

۲. همان، ص ۴۴.

۳. یعنی تعارض نداشتن با تعریف قبلی و تعریف به مصداق بودن آن.

۴. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، العبودیة، ج ۱، ص ۴۳.

۵. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الإیمان، ص ۲۳۱.

امثال امر خدا باشد، حتماً عبادت است.^۱

او برای اثبات دخیل بودن عنصر حب در مفهوم عبادت، به آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»^۲ استناد می‌کند و با قیاس عمل مسلمانان با مشرکان، محبت کامل انسان را برای خداوند می‌داند. در کنار این مطلب، او به آیه ۵۴ سورة مائده^۳ و آیه ۲۴ سورة توبه^۴ اشاره می‌کند تا «محبت» را قید ضروری و جدایی‌ناپذیر عبادت نشان دهد.^۵

حال پس از بیان تعریف عبادت از منظر او، به سؤال اصلی می‌رسیم که مبنای ابن تیمیه در شرک دانستن اعمالی مانند توسل، استغاثه و دعا در کنار قبور چیست. طبق تعاریف عبادت که از ابن تیمیه نقل شد، این نکته به دست می‌آید که قصد طاعت داخل در عبادت است و با اعتقاد به حاکمیت و مشروعیت کسی که مورد اطاعت قرار گرفته، ملازم است؛ با وجود این، اگر عبادت یا یکی از مصادیق آن، در مقابل شخصی غیر از خدای تعالی صورت بگیرد، مستلزم شرک می‌گردد؛ زیرا این عبادت، طاعت مطاع را با لوازم آن در پی دارد و زمانی که در عرض طاعت الهی قرار بگیرد، نتیجه‌ای جز شرک نخواهد داشت.^۶

در نتیجه، تعریف عبادت به طاعت در نزد ابن تیمیه، این نتیجه را در پی دارد که عمل عبادی حاکمی از طاعت معبود مانند سجده، توسل و استغاثه، اگر در مقابل شخص و موجود

۱. شریفات، عبدالمحمد، «مفهوم عبادت از دیدگاه ابن تیمیه»، پژوهشنامه نقد و هابیت سراج منیر، شماره ۱۶، ص ۷۳.
۲. سورة بقره، آیه ۱۶۵: و برخی مردم در برابر خدا همانندهایی [برای او] برمی‌گزینند و آنها را همچون دوستی خدا دوست می‌دارند؛ ولی کسانی که ایمان آورده‌اند، محبت بیشتری به خدا دارند.
۳. سورة مائده، آیه ۵۴: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»؛ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرکس از شما از دین خود برگردد، به‌زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند).
۴. شاخته اصلی این گروه، که موجب امتیازهای ویژه آنها شده است، حب دوطرفه الهی است.
۵. سورة توبه، آیه ۲۴: «قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَنِسَاءُكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَأَقْرِبُوا إِلَى اللَّهِ ذُنُوبَكُمْ حَقِّقًا وَلَا تُكَلِّمُوا فِيهِ الَّذِينَ كَفَرُوا»؛ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر پدران و پسران و زنان شما در راه خدا و پیامبرش و جهاد در راه وی دوست‌داشتنی‌تر است، پس منتظر باشید تا خدا فرمانش را به اجرا درآورد).
۶. همان، ص ۷۴.

ممکن، به قصد امتثال امر او صورت بگیرد و برای غیر الله تعالی باشد، به شرک منجر می‌شود. این است که در مصادیق متعدد، او مسلمانان را مشرک در توحید الوهی می‌داند.

نقد تعریف ابن تیمیه

تبیین مفهومی عبادت، که ابن تیمیه آن را انجام داده است، موجب ورود مصادیق غلط، در داخل معنای عبادت شده و تکفیر مسلمانان را در پی داشته است. اشکالاتی به این بیان وارد شده است که مهم‌ترین آنها بررسی می‌شود. دلیل اصلی به خطا رفتن ابن تیمیه را می‌توان ظاهری‌گری او دانست که موجب کشاندن معنای لغوی عبادت در حیطه اصطلاح علم کلام شده است.

۱. عدم جامعیت و مانعیت

تعریف ابن تیمیه تعریف دقیقی نیست؛ زیرا جامع افراد و مانع اغیار نیست. این تعریف، مواردی مانند سجده حضرت یعقوب علیه السلام و فرزندانش بر یوسف علیه السلام و سجده ملائکه بر آدم علیه السلام را، که دارای هر دو قید نهایت حب و نهایت خضوع است، شامل می‌شود؛ در حالی که هیچ‌کسی به عبادت شدن این دو شخص از سوی سجده‌کنندگان قائل نشده است، بلکه همه آن را در راستای عبادت الله تعالی می‌دانند. این در صورتی است که آیت الله مصباح این موارد را عبادت نمی‌شمارد؛ زیرا همراه با اعتقاد به الوهیت نیست و حتی عمل به این دستور، مطابق با عبادت خداوند سبحان است.^۱

مؤید این اشکال آن است که مسلمانان حتی شیطان را برای سرپیچی از دستور خداوند، که طبق تعریف ابن تیمیه به ظاهر شرک است، مستحق عذاب می‌دانند. پس تعریف او مانع این موارد نیست. مواردی مانند نماز کسی که سبک می‌شمارد یا عبادت‌های از روی عادت نیز در این تعریف داخل نمی‌شوند؛ زیرا دارای قید نهایت خضوع نیستند؛ علی‌رغم اینکه بر عبادت بودن آنها اجماع وجود دارد.^۲

۱. مصباح یزدی، محمدتقی، خداشناسی، ص ۲۱۸.

۲. شریقات، عبدالمحمد، «مفهوم عبادت از دیدگاه ابن تیمیه»، پژوهشنامه نقد و هایت سراج منیر، شماره ۱۶، ص ۷۶.

۲. ابهام در تعریف عبادت

در تعریف عبادت، ابن تیمیه از معنای مصدری آن (پرستیدن)، همراه با یک قید اضافی (حب) استفاده کرده است؛ اما دلیل قانع کننده‌ای برای این تقیید را بیان نکرده است. اگر گفته شود که مراد او از عبادت معنای اسم مصدری آن است، باز هم این قید اضافی است؛ چرا که مرادش از غایت، که همان حب باشد، وجود آن به نحو اکمل است و چنین معنایی از اسم مصدر به دست نمی‌آید.

البته بنا بر تعریف او، بر هیچ‌یک از مسلمانان عنوان شرک بار نمی‌شود؛ زیرا با این دو قید نهایت حب و نهایت خضوع، همه اعمال مورد بحث او از تعریف خارج می‌شوند. دلیل این سخن آن است که اولاً: ابن تیمیه نهایت حب را به تتمیم (تعبد محض برای معبود) می‌داند،^۱ که قطعاً تمام مسلمانان آن را برای الله تعالی در نظر دارند. ثانیاً: اگر از مسلمانی درباره غایت حب او، برای الله یا یکی از اولیا سؤال شود، می‌گوید که حبّ ولیّ خدا، به خاطر حبّ الله تعالی است و این در طول آن است و علتش حبّ خداست، نه عبادت ولیّ او. ثالثاً: تتمیم مورد نظر ابن تیمیه درباره عبادت اکثر مسلمانان صدق نمی‌کند؛ زیرا از تلازم آن با عبادت آگاه نیستند. رابعاً: از صحابه بیانی درباره نهایت محبت و ارتباط آن با عبادت و همچنین تتمیم ابن تیمیه صادر نشده است؛ پس آنان نیز به معنای مدنظر ابن تیمیه موحد نیستند. صد البته این مطلب مخالف سیره علمی و عملی ابن تیمیه است؛ زیرا او فهم صحابه از سنت را اولی می‌داند و به حجیت مطلق فهم سلف اعتقاد دارد.

او برای اثبات دخیل بودن محبت در عبادت، به آیاتی استناد کرده است که این آیات تخصصاً از موضوع بحث خارج اند؛ زیرا محبت از لوازم اعتقاد است و آیه ۱۶۵ سوره بقره، مشرکان را نه به خاطر محبت، بلکه به علت تشریک مؤاخذه می‌کند. حال آیا چیزی که لازمه یک تعریف است، باید حتماً جزء ارکان آن به حساب بیاید؟ خیر، بلکه لوازم

۱. «لفظ العبادة مُتَّصِنٌ للمحبة مع الذل كما تقدم و لهذا كانت محبة القلب للبشر على طبقات أحدها العلاقة فهو تعلق القلب بالمحوب ثم الصباية و هو انصباب القلب إليه ثم الغرام و هو الحب اللازم ثم العشق و آخر المراتب هو التتميم و هو التَّعَبُّدُ للمحبوب و التتميم المعبود و تیم الله عبد الله». (ابن تیمیه، احمد بن عبد الحليم، أمراض القلب و شفاءها، ص ۷۰).

یک تعریف لزوماً رکن آن تعریف نیست و معمولاً خارج از اصل تعریف به حساب می‌آید. نکته دیگر این است که اساساً در میان متکلمان اهل سنت، اطلاق محبت بر خدا مورد اختلاف واقع شده است و غالباً آن را مجاز یا استعاره می‌دانند.^۱

۳. توهّم عبادت استقلالی

تمام مواردی که ابن تیمیه به عنوان مصادیق شرک عبادی بیان کرده است، اعمالی هستند که زیرمجموعه مصادیق عمل مشرکانه قرار نمی‌گیرند؛ زیرا اعمالی هستند که به عنوان حبّ لله تعالی (در طول عبادت خداوند سبحان) صورت گرفته‌اند، و مسلم است که حبّ مع الله (در عرض عبادت خداوند سبحان) شرک است، نه حبّ لله. او در حالی این اعمال را به عنوان عبادت غیر پنداشته است که فقط برای تقرب به خداوند سبحان واقع شده‌اند.

۴. عبادت نبودن مطلق خضوع

اگر فرض کنیم عبادت به طاعت و خضوع و تذلل تفسیر شود، بازهم همه این تعاریف، تعریف بالمعنی الاعم است؛ زیرا آنچه واضح است آن است که به نحو مطلق، بر تذلل و طاعت «عبادت» اطلاق نمی‌شود و این مطلب، از آیات قرآنی،^۲ که طاعت در آنها به کار رفته است، به دست می‌آید.^۳

گرچه در برخی استعمال‌های لفظ عبادت، به مواردی برمی‌خوریم که معنای خضوع را دارا هستند، اما باید توجه داشت که این استعمال‌ها، تابع معنای لغوی هستند و به صرف چند استعمال نمی‌توان معنای حقیقی و اصطلاحی کلمه را از آن برداشت کرد. مثلاً در آیه «فَقَالُوا أَتُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ»^۴ صرف پیروی و تکریم باعث شده است که از ریشه «عبد» استفاده شود؛ گرچه معنای حقیقی این ریشه، خضوع همراه با اعتقاد به الوهیت است. دلیل این عدول از معنای حقیقی به معنای لغوی، این است که

۱. شریفات، عبدالمحمد، «مفهوم عبادت از دیدگاه ابن تیمیه»، پژوهشنامه نقد و هایت سراج منیر، شماره ۱۶، ص ۷۷ تا ۸۰.

۲. نک: سوره یوسف، آیات ۴ و ۱۰۰؛ سوره بقره، آیه ۳۴؛ سوره اسراء، آیه ۲۴؛ سوره مائده، آیه ۵۴.

۳. سبحانی تبریزی، جعفر، التوحید و الشریک فی القرآن الکریم، ص ۴۰.

۴. سوره مؤمنون، آیه ۴۷: پس گفتند آیا به دو بشر که مثل خود ما هستند و طایفه آنها بندگان ما می‌باشند، ایمان بیاوریم؟

می‌دانیم در قرآن بنی اسرائیل جزء مشرکان نبوده‌اند.^۱

عبادت از دیدگاه آیت‌الله مصباح

آیت‌الله مصباح در کتاب‌های خود به دو بیان عبادت را تعریف کرده است. رویکرد اول را می‌توان رویکردی تفسیری کلامی، و رویکرد دوم را به‌نوعی اخلاقی عرفانی دانست. ابتدا رویکرد تفسیری او را نقل و بررسی می‌کنیم.

او در کتاب خداشناسی، ابتدا با نقل تعاریفی که تفاسیر المنار و آلاء الرحمن درباره عبادت ارائه کرده‌اند، به نکته‌ای مهم و اساسی درباره مفهوم عبادت می‌پردازد. وی اصل عبادت را که به معنای «خضوع و خشوع در مقابل شخصی» است، پذیرفته؛ اما در کنار این مفهوم، یک قید مهم را مدنظر دارد. وی می‌نویسد: «به‌طور قطع، هر خضوعی را نمی‌توان عبادت گفت؛ بلکه عبادت عملی است که با اعتقاد به الوهیت کسی همراه باشد».^۲ لازمه این بیان آن است که اگر عملی برای احترام به چیزی یا شخصی از طرف مکلف صورت پذیرد، اما او به الوهیت آن شخص اعتقاد نداشته باشد، عبادت اصطلاحی محقق نمی‌شود. در بوسیدن حجرالاسود و کعبه، و همچنین احترام به قبور اولیای الهی، چون اعتقاد به الوهیت هیچ‌کدام وجود ندارد، شرکی واقع نمی‌شود. تکریم و تعظیم شیعیان به دلیل مقام معصومان است و با عبادت و الوهیت آنان ارتباطی ندارد؛ لذا این اعمال مقرب انسان موحد به خدای متعال است. حد جامع میان این تکریم و آن تقبیل، عدم اعتقاد به الوهیت و استقلال است.

در قرآن کریم نیز خداوند متعال به سجده ملائکه بر آدم علیه السلام دستور می‌دهد و حتی به‌طور ضمنی آن را تأیید کرده و متمرّد از این دستور را تا ابد از رحمت خویش به دور نگه می‌دارد: ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾.^۳ در حالی که اگر این عمل، که بیان‌کننده نهایت خضوع و سجده برای

۱. سبحانی تبریزی، جعفر، التوحید و الشّرك في القرآن الكريم، ص ۴۶.

۲. مصباح یزدی، محمدتقی، خداشناسی، ص ۲۱۸.

۳. سوره بقره، آیه ۳۴: و چون فرشتگان را فرمودیم برای آدم سجده کنید، پس به‌جز ابلیس، که سر باز زد و کبر ورزید و از کافران شد، [همه] به سجده افتادند.

غیر الله تعالی است، شرک می‌بود، قطعاً خداوند سبحان به آن امر نمی‌کرد. از این امر درمی‌یابیم که اگر عملی، نهایتِ خضوع را به همراه داشته باشد، ولی از طرف الله تعالی امر شود و اعتقاد به الوهیتِ غیر الله تعالی همراه آن احترام نباشد، شرک به حساب نمی‌آید،^۱ بلکه اطاعت از آن، عینِ توحید است. مثال دیگر در این رابطه، به سجده افتادنِ خانواده حضرت یوسف (ع) در مقابلِ ایشان است که در وجه استدلال، با موردِ قبل تفاوتی نمی‌کند.^۲ ایشان در ادامه با گره‌زدنِ بحثِ عبادت با توحید، این‌طور بیان می‌کنند: «اگر کسی معتقد باشد که در عالم کسی غیر خدا هست که مستقلاً مالک یکی از شئون انسانی است و اختیارش به دستِ اوست و در برابر او کاری بکند که مقتضای این مملوکیت باشد، این شخص مشرک در عبادت است».^۳

در پایان تحلیل معنای اول می‌توان گفت که ایشان با توجه به نصوص قرآنی، عملی را عبادت می‌دانند که «خضوع همراه با اعتقاد به الوهیت و استقلال در تأثیر» باشد و از دیدگاه ایشان خضوع در مقابلِ اولیای الهی به دلیل تقریبشان، مقرب انسان به خدای متعال و عبادتِ اوست، نه عملی شرک‌آلود.

اما رویکرد دقیق‌تر ایشان، دیدگاه اخلاقی در باب عبادت و مقرب‌های انسان به خدای متعال است. از نظر ایشان، عبادت در این ساحت، هر چیزی است که انانیتِ انسانی را نفی و خودپرستی او را از بین ببرد و در عین حال، اقرار به ربوبیت خدای متعال نیز باشد.^۴ از دیدگاه ایشان، عبادت در مفهوم حقیقی خود امری تشکیکی و ذومراتب است. اولین مرحله آن این است که انسان، فانی در اراده الهی گردد و به عبارتی به مقتضای اصلی بندگی خود عمل کند؛ یعنی مانند یک مملوک در هیچ‌یک از شئون زندگی

۱. رویکرد اصلی علمای امامیه در تعریف عبادت، همین قید است.

«فالخضوع حتی لو لم یکن کثیرا اذا کان مقرونا بالإعتقاد الخاص فهو عبادة». (سبحانی تبریزی، جعفر، الوهیه فی المیزان، ص ۱۸۱).

«العبادة هي الخضوع عن اعتقاد بالوہیة المعبود و ربوبیة و استقلاله فی فعله». (سبحانی تبریزی، جعفر، التوحید و الشرک فی القرآن الکریم، ص ۷۱).

۲. مصباح یزدی، محمدتقی، خداشناسی، ص ۲۱۸.

۳. همان، ص ۲۱۸.

۴. مصباح یزدی، محمدتقی، چکیده‌ای از اندیشه‌های بنیادین اسلامی، ص ۸۳.

خودش برای خودش اصالتی قائل نباشد. در این صورت، انسان حقیقت عبادت را انجام داده است و عبد حقیقی می‌شود. اما در مراتب بالاتر، شخص با استمرار همین دیدگاه به نقطه‌ای می‌رسد که دیگر هیچ‌چیزی برای خود اراده نمی‌کند و هر اتفاقی که رخ دهد آن را از طرف خدا می‌داند و بدان تسلیم شده و به قضای الهی رضایت می‌دهد.^۱

ایشان در تفسیر این رویکرد، عبادت را این‌طور معنا می‌کنند که انسان همه کارهای اختیاری خود را به انگیزه اطاعت از خداوند و برای رضای او انجام دهد و هر عملی که چنین ملاکی را دارا باشد، عبادت به شمار می‌رود.^۲ همان‌گونه که مشخص است، رویکرد عرفانی اخلاقی ایشان به مسئله عبادت، با تعریف کلامی تفسیری عبادت تغییری ندارد و برداشتی از آن مفهوم محسوب می‌شود.

نتیجه

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، دیدگاه ابن تیمیه دارای اشکالاتی است که حقانیت آن را زیر سؤال می‌برد. او مطلق خضوع به همراه حب را عبادت می‌داند؛ در صورتی که این بیان، مخالف استعمال‌های قرآنی است و تعاریفی که او از عبادت بیان کرده، دارای ابهام است و شرایط تعریف صحیح را ندارد. نادیده گرفتن اشکال‌های مطرح شده و صحیح فرض کردن این تعریف، موجب آسیب‌های فراوانی است که اکنون جوامع اسلامی به آن گرفتار شده و تکفیر مسلمانان را در پی خواهد داشت. در مقابل، آیت‌الله مصباح عملی را عبادت می‌داند که علاوه بر دارا بودن خضوع و خشوع، برخاسته از اعتقاد به الوهیت معبود باشد. این برداشت با آیات قرآن هماهنگ است و می‌توان آن را حق دانست.

۱. آیت‌الله العظمی جوادی آملی معتقد است که کمال عبادت به واسطه معرفت حاصل می‌شود. ایشان عقیده دارند عمل انسان پس از مرگ قطع می‌شود و فقط معرفت اوست که باقی می‌ماند. (نک: جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۶، ص ۱۴۵).

۲. مصباح یزدی، محمدتقی، به سوی او، ص ۶۴ و ۶۵.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، **الإيمان**، تحقیق: محمد ناصرالدین البانی، اردن: المكتب الإسلامي، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ق.
۳. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، **الزهد و الورع و العبادة**، تحقیق: حماد سلامة و محمد عویضة، اردن: مكتبة المنار، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۴. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، **العبودية**، تحقیق: محمد زهير الشاويش، بیروت: المكتب الإسلامي، چاپ هفتم، ۱۴۲۶ق.
۵. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، **أمراض القلب و شفاءها**، قاهره: المطبعة السلفية، چاپ دوم، ۱۳۹۹ق.
۶. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، **بيان تلبیس الجهمیة؛ في تأسيس بدعهم الكلامیة**، مدینه: مجمع الملك فهد، ۴۲۶ق.
۷. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، **مجموع الفتاوى**، تحقیق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، مدینه: مجمع الملك فهد، ۴۱۶ق.
۸. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، **منهاج السنة النبویة؛ في نقض كلام الشيعة القدریة**، تحقیق: محمد رشاد سالم، بی جا: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۹. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، **الاستقامة**، تحقیق: محمد رشاد سالم، مدینه: جامعة الإمام محمد بن سعود، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
۱۰. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، **الفتاوى الحمویة الكبرى**، تحقیق: حمد بن عبدالمحسن تویجرى، ریاض: دار الصمیعی، چاپ دوم، ۱۴۲۵ق.
۱۱. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، **الفتاوى الكبرى**، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، ریاض: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۱۲. ابن عثیمین، محمد بن صالح، **القول المفید على کتاب التوحید**، عربستان: دار العاصمة، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۱۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۱۴. ازهری، محمد بن احمد، **تهذیب اللغة**، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۱۵. بدر، عبدالرزاق بن عبدالمحسن، **القول السدید في الرد على من أنکر تقسیم التوحید**، قاهره: دار ابن القيم و دار ابن عفان، ۱۴۲۲ق.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، **تفسیر موضوعی قرآن کریم**، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۹ش.

۱۷. حیدری، سیدکمال، **التوحید عند الشيخ ابن تیمیة**، تحقیق: خلیل عاملی، بیروت: مؤسسة الهدی، ۱۴۳۴ق.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات ألفاظ القرآن**، بیروت: دار القلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۹. سبحانی تبریزی، جعفر، **ابن تیمیة؛ فکراً و منهجاً**، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۴۳۲ق.
۲۰. سبحانی تبریزی، جعفر، **الإيمان و الکفر في الكتاب و السنة**، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ دوم، ۱۴۲۷ق.
۲۱. سبحانی تبریزی، جعفر، **التوحید و الشرك في القرآن الکریم**، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ سوم، ۱۴۳۷ق.
۲۲. سبحانی تبریزی، جعفر، **الوهابية بين المباني الفكرية و النتائج العملية**، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
۲۳. سبحانی تبریزی، جعفر، **الوهابية في الميزان**، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ سوم، ۱۴۲۷ق.
۲۴. سبحانی تبریزی، جعفر، **مرزهای توحید و شرک در قرآن**، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۰ش.
۲۵. شریفات، عبدالمحمد، «مفهوم عبادت از دیدگاه ابن تیمیة»، **پژوهشنامه نقد وهابیت سراج منیر**، شماره ۱۶، سال چهارم، زمستان ۱۳۹۳ش.
۲۶. عابدی، احمد، **توحید و شرک در نگاه شیعه و وهابیت**، قم: مؤسسه فرهنگی هنری مشعر، چاپ دوم، زمستان ۱۳۹۱ش.
۲۷. عبدالحمید، صائب، **ابن تیمیة؛ حياته-عقائده**، بیروت: مرکز الغدير، چاپ پنجم، ۱۴۳۷ق.
۲۸. عسکری، حسن بن عبدالله، **الفروق في اللغة**، بیروت: دار الآفاق الجديدة، چاپ اول، ۱۴۰۰ق.
۲۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العين**، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۳۰. کردی، فوز بنت عبداللطیف، **تحقیق العبودية؛ بمعرفة الأسماء و الصفات**، عربستان: دار طيبة، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۳۱. مصباح یزدی، محمدتقی، **به سوی او**، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)، چاپ چهارم، زمستان ۱۳۹۰ش.
۳۲. مصباح یزدی، محمدتقی، **چکیده‌ای از اندیشه‌های بنیادین اسلامی**، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)، چاپ ششم، پاییز ۱۳۹۱ش.
۳۳. مصباح یزدی، محمدتقی، **خداشناسی**، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)، چاپ دوم، ۱۳۹۴ش.

سایت

1. www.mesbahyazdi.ir